قدس
رواق
ویژه فرهنگ و معارف رضوی
| سال اول | ویژه نامه ۱۶۵ |

در گفت‌وگوی قدس با حجت‌الاسلام والمسلمین ریاضت مطرح شد
نسخه رفتاری پیامبر اعظم (ص) برای زندگی امروز ۲

پژوهشگر مسیحی مطرح کرد
امام رضا(ع) آغازگر گفت‌وگوی بین ادیان است ۳

روایت ارسال خرمای دهه آخر صفر به مشهد توسط خادمیاران شهرستان بم
نذری از دیار نخلستان ۲

راه و رسم بازاریان در پویش «همه خادم‌الرضاییم»
هوای زائر «آقا» را داریم ۴

قطارنوشت
زائر بلوچ ۲

عکس رضوی: احمد حسنی

مستند «خدام»، داستان زندگی و خدمت ۱۵ خادم حرم رضوی ساخته می‌شود

داستان «خدمت»

به همت مدیریت رسانه‌های صوتی و تصویری آستان قدس رضوی مجموعه مستند «خدام» در حال تولید است.هاشم مسعودی، تهیه‌کننده مجموعه مستند خدام می‌گوید: این مجموعه به سفارش مدیریت رسانه‌های صوتی و تصویری آستان قدس رضوی در قالب ۱۵ قسمت تهیه می‌شود که ۱۰ قسمت آن آماده شده و پنج قسمت آن به دلیل وضعیت کرونایی و در نظر گرفتن شرایط خدام پیشکسوت اگرچه با تأخیر ولی همچنان در حال تولید است. برای تهیه این مستند، ۳۰۰ خادم پیشکسوت معرفی شدند که پس از مصاحبه اولیه و گفت‌وگو با آن‌ها بر حسب تمایل ۱۵ نفر آن‌ها انتخاب شدند. هر قسمت این مستند ۲۰ دقیقه است و در آن به نوع فعالیت خدام، چگونگی جذب، بخشی از زندگی شخصی و همچنین تأثیر حضور در حرم و نقش امام رضا(علیه‌السلام) بر زندگی آن‌ها پرداخته شده است. این مستند به زودی از شبکه‌های مستند و افق سیما پخش خواهد شد.

داستان شگفت‌انگیز مناظره یک دانشمند مشرک با ثامن‌الحجج(ع)

راز مهربانی امام‌رضا(ع) با «عمران»

محمدحسین نیکبخت: تالار قصر پُر بود از جمعیت؛ تقریباً جای خالی در آن یافت نمی‌شد. مأمون بر تخت خود تکیه زده و به برنامه‌ای که تدارک دیده بود می‌نگریست. در میانه تالار، هیئت‌هایی از ادیان و مذاهب مختلف حضور داشتند، بهترین‌هایشان آمده بودند تا در مناظره‌ای بزرگ شرکت کنند؛ مناظره با علی بن موسی‌الرضا(ع). مناظره که شروع شد، نخست بزرگان یهودی و مسیحی به میدان آمدند و در برابر منطق فرزند پیامبر، خود را مستأصل دیدند. مناظره آن‌ها که گاه وارد پیچیده‌ترین مباحث تاریخی و الهیات می‌شد، ساعتی ادامه پیدا کرد؛ اما در میان جمعیت میهمانان، یک نفر ساکت و صامت به جریان مناظره می‌نگریست و وارد آن نمی‌شد. برای اهالی علم و متکلمان آن دوران، «عِمران صابی» نام ناآشنایی نبود؛ متکلمی توانمند که بسیاری از علمای مسلمان را در شهرهای مختلف جهان اسلام، مقهور قدرت منطق و دانش خود کرده بود. مأمون می‌خواست تا او هم در زمره میهمانان آن نشست علمی باشد؛ چرا؟ شاید برای آنکه از عمران به عنوان آخرین تیر ترکش استفاده کرده و بتواند امام رضا(ع) را، دست کم در این عرصه مغلوب کند، اما پسر هارون با تمام هوش و زرنگی‌ای که داشت، حتی فکرش را هم نمی‌کرد فرجام این کار جور دیگری خواهد بود.

■ مردی تشنه حقیقت

عِمران، اصالتاً از اهالی حرّان بود؛ شهری در شمال منطقه شام. صابئین، یعنی همان کسانی که عمران ریاست هیئتشان را عهده‌دار بود، به‌ظاهر خود را از پیروان حضرت یحیی می‌دانستند، اما در واقع معتقد به ادیان شرک‌آلود و باستانی بین‌النهرین بودند. پیروان این مذهب، در برخی از نقاط سرزمین‌های اسلامی حضور داشتند و گاه و بی‌گاه، ماجرای مناظراتشان با اهل اسلام، نُقل مجالس علمی مسلمانان می‌شد. حالا عِمران آمده بود تا کاری کند کارستان؛ هم مناظره را ببرد و هم دل خلیفه عباسی را بدست بیاورد. اما راستش، عمران اصولاً اهل این حرف‌ها نبود، دنبال حقیقت می‌گشت و اصلاً ابایی نداشت که در برابر حرف حق، سر فرود بیاورد و مأمون این را نمی‌دانست! به همین دلیل، شاید وقتی پس از مغلوب شدن بزرگان یهودی، مسیحی و زرتشتی، صدای عمران برای پرسیدن سؤالی بلند شد، مأمون نفس راحتی کشید. عمران، ثامن‌الحجج(ع) را با عنوان «یا عالِمِ النّاس» (ای داناترین مردم) خطاب قرار داد؛ پیدا بود که از فحوای کلام امام(ع) با دیگران، پی به دانایی بی‌نظیر آن حضرت برده است. اما سؤال عمران با بقیه فرق داشت؛ آن‌ها درباره حقانیت ادیان و پیامبران سخن می‌گفتند و او می‌خواست درباره توحید بپرسید؛ موضوعی که اساس همه چیز بود.

■ امام رضا(ع) پاسخ می‌دهد

عمران همان ابتدا گفت: «يَا سَيِّدِي مَا أُرِيدُ إِلَّا أَنْ تُثْبِتَ لِي شَيْئاً أَتَعَلَّقُ بِهِ فَلَا أَجُوزُهُ»؛ سرور من! فقط می‌خواهم چیزی را برایم ثابت کنی که به آن متوسل شوم و سراغ غیر آن نروم. امام رضا(ع) اجازه داد تا عمران بپرسد و او پرسید: «أَخْبِرْنِي عَنِ الْكَائِنِ الْأَوَّلِ وَ عَمَّا خَلَقَ»؛ مرا آگاه کن از نخستین موجود و آنچه را که خلق کرد. به این ترتیب، گفت‌وگو آغاز شد. امام(ع) با شیواترین بیانی که عمران تا آن زمان نشنیده بود، به تشریح صفات الهی و چرایی وحدانیت خداوند پرداخت. در میان بُهت مأمون و حاضران در مجلس، عمران همچون شاگردی در برابر امام(ع) زانو زد؛ شاگردی مشتاقِ آگاهی و ثامن‌الحجج(ع) جرعه‌جرعه دانش الهی خود را در کام او می‌ریخت. ناگهان صدای اذان بلند شد. امام(ع) فرمود: وقت نماز است، پس از ادای آن بحث را ادامه خواهیم داد. عمران بی‌تابانه گفت: سرور من، سخنت را قطع نکن که دلم برای پذیرش آنچه می‌گویی، رقیق شده است. امام رضا(ع) با محبت فراوان عمران را به صبر دعوت کرد و برای اقامه نماز از مجلس خارج شد؛ نماز را با کمترین مستحبات به جا آورد و فوری به مجلس بازگشت و به عمران گفت: باز هم بپرس. گفت‌وگو دوباره آغاز شد. امام رضا(ع) که شوق فراوان عمران را می‌دید، درهای بیشتری از دانش را به روی وی باز کرد. آن‌قدر که ساعتی بعد، دیگر در ذهن او تردیدی در وحدانیت خدا نمانده بود: «يَا سَيِّدِي أَشْهَدُ أَنَّهُ كَمَا وَصَفْتَ»؛ سرورم، گواهی می‌دهم که او چنان است که تو وصفش کردی. عمران شهادتین را بر زبان جاری کرد و بی‌درنگ مسلمان شد. در تالار قصر غلغله‌ای برپا بود، اما بیش از همه، مأمون به فکر فرو رفت. امام(ع) عمران را در آغوش گرفت و از او دعوت کرد تا ناهار را نزد ایشان بماند؛ به او گفت که پس از ناهار، باز هم با هم به گفت‌وگو می‌پردازیم؛ گویی شوق امام(ع) برای عرضه متاع گرانبهای ایمان به اهلش، بیشتر از اشتیاق عمران برای یافتن حقیقت بود.

■ بیشتر پیش ما بیا

روز پس از آن مناظره باشکوه، امام رضا(ع) به خدمتکارش دستور داد که اسبی ببرد و عمران را به میهمانی منزل امام(ع) بیاورد.

هنگامی که آن متکلم بزرگ به محل سکونت ثامن‌الحجج(ع) رسید، علی بن موسی‌الرضا(ع) به استقبال وی رفت و خوشامد گفت و هدایایی به او داد و باز با عمران به گفت‌وگو و بحث علمی پرداخت.

هنگام غروب، زمانی که عمران می‌خواست محل اقامت امام را ترک کند، آن حضرت به وی فرمود: «صبح دوباره نزد ما بیا، می‌خواهیم برایت غذای مدینه را حاضر کنیم». امام رضا(ع) همیشه کسانی را که در پی حقیقت بودند و اهل علم و آگاهی، چنین دوست می‌داشت و اکرام می‌کرد.

عمران که مسلمانی راسخ، با ایمانی محکم شده بود، به عنوان شاگردی از شاگردان توانمند ثامن‌الحجج(ع) به شهرها و مناطق مختلف سفر می‌کرد و نقش مهمی در بیداری مردم و رهاندن آن‌ها از غبار شک و تردید داشت.

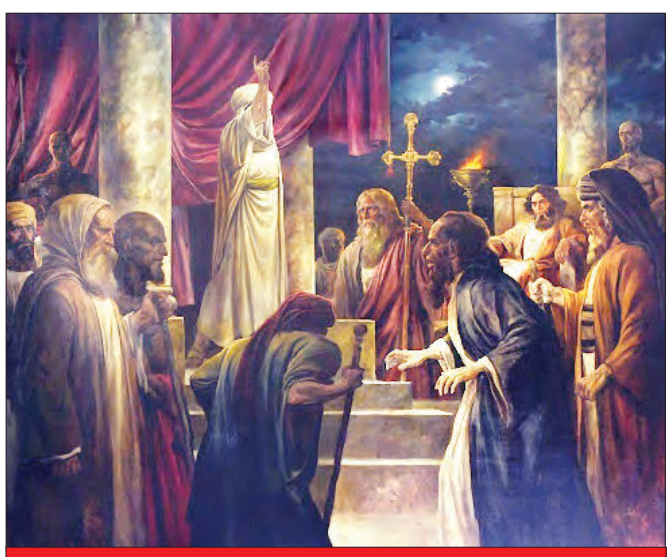

گزیده

مأمون می‌خواست تا عمران هم در زمره میهمانان آن نشست علمی باشد؛ برای آنکه از او به عنوان آخرین تیر ترکش استفاده کرده و بتواند امام رضا(ع) را، دست کم در این عرصه مغلوب کند، اما پسر هارون، فکرش را هم نمی‌کرد فرجام این کار جور دیگری خواهد بود.

گفت و گو

مجری قدیمی تلویزیون، همراه پویش «همه‌خادم‌الرضاییم»

خادمی را در رفتار و عمل منعکس کنیم

یک مجری پرسابقه تلویزیون معتقد است «خادم بودن» تنها با پوشیدن لباس ظاهری خدمت معنا پیدا نمی‌کند و زمانی جامه خدمتگزاری بر قامت یک مسلمان و شیعه باورمند می‌نشیند که رفتار و اعمال او، خداپسندانه و در جهت کمک به مردم و جامعه باشد.

سیداقبال واحدی می‌گوید: لازمه ورود به هر شغلی، از سر گذراندن مصاحبه و داشتن تخصص و مسلمان واقعی بودن است. یعنی در بیان و عمل، همانی باشیم که ائمه اطهار(ع) در هدایت انسان، بر آن تأکید داشتند.

قدم نخست را هم باید با کنکاش در خودمان برداریم. ببینیم آیا در خلوت خود از خدا حیا کرده‌ایم... اگر چنین بوده، پس حضور خدا را باور داشته‌ایم. زمانی که به خدا و معاد از صمیم قلب اعتقاد داشته باشیم، یکی از تلاش‌های ماندگار ما در این حیات دنیوی، خدمت به نام و نیت ائمه طاهرین(ع) است.

لباس خدمت زمانی بر قامت یک مسلمان و شیعه، خوش می‌نشیند که رفتار و اعمال او نیز زیبا و خداپسند و در جهت خدمت به مردم باشد. اگر نیت کردیم که در هر لباس و هر موقعیتی، خادم‌الرضا باشیم، باید ابتدا آن را در رفتارمان منعکس کنیم.

این هنرمند پیشکسوت می‌گوید: یکی دیگر از ملاک‌های مهم برای خدمت شایسته به نام امام مهربانی‌ها، حفظ عزت و کرامت این آستان ملکوتی است. یعنی رفتار و گفتار و برخورد ما بر عزت و معنویت این حرم و بارگاه بیفزاید؛ نه آنکه خدای ناکرده حرمتش را در ذهن مردم مخدوش کنیم. کوچک‌ترین برخورد نامناسب از سوی یک خادم در این صحن و سرا، می‌تواند کل خدمات و زحمات مجموعه آستان قدس را زیر سؤال ببرد و به شأن مقدسات در نگاه زائران آسیب وارد کند. خادم بودن یعنی چشم پوشیدن بر حق‌های کوچک خودمان برای رضای خدا و حضرت ثامن الحجج(ع).

من در مقام یک چهره رسانه‌ای، برای حرکت در این مسیر، باید بیشتر از دیگران مراقبت کنم. خدمت در لباس رسانه مثل خدمت در قبای روحانیت و یونیفرم نظامی است، نمی‌توان هر کاری را با این لباس کرد. باید حد و حدود و حرمت نگه داریم و این کاری بسیار دشوار است. به واقع اگر هر فرد در جامعه اسلامی، همین حدود و حرمت‌های فردی و گاهی جمعی را رعایت کند، تمامی امور به سامان خواهد شد و جامعه در مسیر تعالی خود قرار می‌گیرد.

منبرمجازی

کار خیر چطور به کمال می‌رسد؟

خدمت به مردم و رفع گرفتاری آن‌ها، بزرگ‌ترین نعمت الهی است و همه افراد به‌خصوص مسئولان باید قدردان آن باشند... خدمت به مردم باید مایه افتخار همه باشد... برای یک حکومت هم بالاترین پیروزی، خدمت به مردم است و کسی که مسئولیتی را قبول می‌کند باید شبانه‌روز خود را وقف مردم کند چون مشکلات بسیار است و لازمه رفع مشکلات این است که مسئولان واقعاً به مردم خدمت کنند... در سیره رضوی و علوی، تأکید زیادی روی خدمت کردن به مردم شده است... خداوند وقتی به کسی نعمتی می‌دهد، آن فرد در معرض امتحانات بیشتری قرار می‌گیرد، زیرا باید همراه آن هم حقوق الهی را پرداخت کند و هم مسئولیت‌هایی که نسبت به جامعه دارد را انجام دهد... متأسفانه خیلی از ما فاصله زیادی با سیره اهل بیت(ع) داریم؛ مال‌اندوزی، غرور در مقابل ضعیفان، فراموش کردن خویشاوندان و... فراموش نکنیم مسائلی از این دست، مانع قبولی دعا و زیارت انسان می‌شود... کار خیر خستگی ندارد... هیچ کس نباید از انجام کار خیر خسته شود، اینکه مردم برای رفع مشکلات خود به ما مراجعه می‌کنند، این از نعمات خداوند است و اگر قدردان آن نباشیم، خداوند آن را از ما می‌گیرد... این را هم فراموش نکنیم که اگر توفیقی دست داد و به کسی خدمتی کردیم، دیگر نباید آن را بزرگ جلوه دهیم... اصولاً کار خیر زمانی به کمال می‌رسد که مخفی بماند و بزرگ جلوه داده نشود.

گزیده‌ای از سخنان حجت‌الاسلام والمسلمین حسینی قمی در حرم مطهر

همه خادم الرضاییم

دنیا چه رنگی است جناب دکتر؟

رقیه توسلی: پیامک می‌دهد. از رفقای خبرنگار است. شماره «دکترعمادی» را می‌خواهد. جمله تأکیدی‌اش این است می‌خواهم یک گزارش حال خوب کن بنویسم.

شماره را که راهی می‌کنم برای همکارم، فیلم یاد هندوستان می‌کند و سُر می‌خورم پشت لپ تاپ. کلیک می‌کنم روی فایلی که اسمش را گذاشته‌ام «پزشک بی‌مرز». واقعا دَم عکس‌های مَشتی، گرم. پوشه‌ای پُر از تصاویر منحصربه‌فرد باز می‌شود و مستقیم می‌روم به قلب آفریقا. کنار بیمارانی که با یک زبان دیگر به کسی که علم طب خوانده می‌فهمانند از چه رنج می‌برند. یک ایرانی سفیدپوش توی عکس‌ها می‌بینم و مراجعه‌کنندگانی که چشم به نسخه‌ای درمانگر دوخته‌اند. سال‌هاست به این عکس‌ها می‌گویم «آخیششی» یعنی ناب، برگزیده، درجه یک.

واقعیتش تا قبل آشنایی با دکتر «عمادی» نام «برونئی» را نشنیده بودم و روحم خبر نداشت در دنیا همچین کشوری وجود دارد چه برسد به اینکه بدانم طبیبی ایرانی آنجا خدماتی ارائه داده که به احترامش یک مرکز درمانی با نام مبارک امام رضا(ع) نام‌گذاری کرده باشند. دل می‌دهم به عکس‌ها و دیپلماسی آقای دکتر. به اینکه چه‌ها کرده در کشوری غریب! که اکثریت مسیحی‌اند و آنجا حتی سفارتخانه نداریم اما دولتمردانش را متقاعد ساخته کلینیک پوستشان را مزین کنند به این نام. به‌نام امام هشتم مسلمان‌ها.

لپ تاپ را می‌بندم... فکرها بی‌هوا دوروبرم را می‌گیرند... مثلاً فکر می‌کنم به بعضی از عکس‌ها که تاریخ انقضایی ندارند... به آدم‌های مهم و بی‌ادعا... به دکتر عمادی که محال است اسمش، من را هربار یاد غنا، زیمبابوه، سومالی و کنیا نندازد... یاد کودکان درشت چشمی که در کمپ‌های صحرایی دارند به صورت پزشکی می‌خندند که از سرزمینی دور آمده و دارد با عشق آن‌ها را ویزیت می‌کند... به جمع رنگ‌ها... روشن و تیره، سفید و سیاه... یاد آن کودک در برونئی که از بیماری شدید پوستی رنج می‌برد و جناب دکتر درمانش کرد و پدر کودک به نشانه تشکر از او خواست نامی برای فرزند توراهی‌شان انتخاب کند. و ایشان هم گفتند «حسین»... یاد جمله همیشگی ایشان که می‌گفت؛ پروردگارمان فرموده شرط عقل پس از بندگی خدا، محبت به بندگان اوست.

پی‌نوشت: واقعاً با شناختن انسان‌های بزرگ، جهان‌بینی آدم بزرگ می‌شود. مثلاً می‌فهمد دنیا آن‌قدرها هم جای تاریک و کریهی نیست برای زندگی اگر مهربان باشیم.

قطارنوشته

زائر بلوچ

الهه ارجمندی‌راد: کار اصلی‌اش سوزن‌دوزی بود. روزها گاهی تا ۱۰ ساعت هم سوزن از دستش نمی‌افتاد و با نخ‌های رنگی، طرح و گل نقش می‌زد. کنار دیگر زن‌های بلوچ روستا می‌نشست و میان حرف‌های روزمره زنانه‌شان بر پارچه‌های سفید سوزن می‌زد. سوی چشمانش کم شده بود، اما چاره‌ای نداشت و با امید ادامه می‌داد. شوهرش را سال‌ها بود از دست داده بود. گلهای داشت که دست چوپان سپرده بود و تکه زمینی کوچک هم از شوهرش مانده بود. امسال نوبت محصول زرشک نبود و البته کشاورزی هم رونقی نداشت. در خشکی زمین تنها می‌شد گلخانه داشت و بیشتر خرج زندگیشان از همین سوزن‌دوزی و امدادری بود. هرچند اوضاع گله گوسفندان هم زیاد خوب نبود و بیماری به جانشان افتاده بود. ناشکر نبود. پارچه و نخ‌ها را از استامحمد تحویل می‌گرفت و سرهفته سفارش‌ها را تحویل می‌داد. دستش تند بود و معمولاً زودتر از زن‌های دیگر سفارش‌ها را تمام می‌کرد. سوزن‌دوزی‌هایش، رومیزی، پشتی و کوسن و روتختی می‌شد و به‌خوبی در زابل فروش می‌رفت. همین دوهفته پیش بود که اوستا گفته بود می‌خواهد کارها را برای فروش به نمایشگاه صنایع دستی تایباد ببرد و باید کارهایی خاص‌تر و در زمانی کوتاه‌تر به دستش برسد، طرح‌های زیبایی که تابه‌حال نظیرش را سوزن نزده بود و خودش هم برای اجرای آن ذوق داشت. رنگ‌های قرمز و سبز و چند ضلعی‌ها کنار هم انگار زنده بود و با او حرف می‌زد... حالا به کمک همان رنگ‌های زنده در مسیری بود که آرزویش را داشت. «سروناز» خواست کجاست؟ چیزی تا مشهد نمانده، وسایلت را جمع کن».

به خودش که آمد انگار گمشده‌ای داشت. آن قدر به تاروپود آن نخ‌ها و پارچه‌ها عادت داشت که بی‌اختیار چند دقیقه‌ای را بی‌توجه به همسفرش در خیال آن‌ها گذرانده بود، حالا با دسترنج فروش کارهای همان نمایشگاه آخر توانسته بود با زن همسایه بلیت قطاری بگیرد و بالاخره راهی مشهد شود. هنوز باورش نمی‌شد خودش برای اولین بار می‌تواند حرم امام(ره) را زیارت کند و صدای نقاره را از صحن انقلاب بشنود. هم‌اتاقی‌هایش در تلویزیون دیده بود، حتی یک‌بار اوستا محمد از توی گوشی فلش فیلمی از صحن و سرای حرم و نقاره‌زنی نشان آن‌ها داده بود. بی‌اختیار همه زن‌های روستا بغضشان گرفته و هوایی مشهد شده بودند. حالا فقط او و رباب مسافر زیارت بودند. بار زندگیشان کمتر بود و می‌توانستند از دسترنجشان برای خودشان هم خرج کنند. او که جز دو دختری که همپای او سوزن‌دوزی می‌کردند، کسی را نداشت. آن‌ها هم بعد تمام کردن دوره راهنمایی در روستای مجاور، کنار مادر کارکرده و حقوقشان را برای خرید جهیزیه کنار می‌گذاشتند. «زندگی آن‌قدرها هم سخت نمی‌گذشت اگر حرص و زیاده‌خواهی نداشته باشی....» این حرفی بود که همیشه به دخترها می‌زد و خودش هم به آن باور داشت.

نقش گنبد و گلدسته سوزن‌دوزی شده‌ای را که دو روزه با دخترها تمام کرده بود و برای پیشکشی خدمت حضرت می‌برد در بغل فشرد و از همان جا به آقا سلام داد.

موعظه

آیت‌الله جوادی آملی

بهترین اسلحه در جنگ با هوس درون و وسوسه ابلیس، اشک است

قرآن ضمن ارائه براهین برای توحید در خلقت و ربوبیت، دستور نیایش، ناله، لابه، دعا و این‌ها را هم می‌دهد. خب انسانی که ناله و گریه می‌کند مطابق با فکر و اندیشه گریه می‌کند یا مطابق با سوزش دل؟ فرمود: «ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعاً وَ خُفْيَه»؛ در تنهایی ناله کنید ضجه بزنید. فرمود: گاهی شما را با برهان متوجه می‌کنیم که ناله کنید، نمی‌کنید؛ گاهی فشار می‌آوریم و حادثه‌ای برای شما پیش می‌آید به جای اینکه ناله کنید بی‌صبری می‌کنید. فرمود: «ادْعُوا رَبَّكُمْ»؛ اما «تَضَرُّعاً»، ما بالاخره با دشمن درونی یعنی شیطان باید بجنگیم؛ جنگ هم که بدون سلاح نمی‌شود. انسانی که مسلح نیست که نمی‌تواند بجنگد؛ بهترین اسلحه در جنگ با هوس درون و وسوسه ابلیس همان اشک است «و سلاحه البکاء»، خب کسی که اهل ناله نیست، مسلح نیست؛ این همه‌اش می‌خندد، همه‌اش خوشحال است، خب این اسلحه ندارد، وقتی اسلحه نداشت شیطان بر او مسلط می‌شود؛ آن که اهل ناله است انسانی که مسلح نیست که نمی‌تواند بجنگد؛ بهترین اسلحه در جنگ با هوس درون و وسوسه ابلیس همان اشک است «و سلاحه البکاء»، خب کسی که اهل ناله نیست، مسلح نیست؛ این همه‌اش می‌خندد، همه‌اش خوشحال است، خب این اسلحه ندارد، وقتی اسلحه نداشت شیطان بر او مسلط می‌شود؛ آن که اهل ناله است گریه ندارند چون عمری را با خنده گذرانده‌اند؛ خب این‌ها مسلح نیستند، آن وقت به اندک چیزی تسلیم شیطان می‌شوند. و وجود مبارک امام سجاد(ع) در دعای ابوحمزه ثمالی به ما آموخت که خدا عرض کنیم خدایا کمکی کن که من اهل ناله باشم. جریان کربلا در تاریخ بی‌سابقه است؛ قبلاً که مثل کربلا اتفاق نیفتاد، بعداً هم الی یوم القیامه کسی مثل حسین بن علی نمی‌آید؛ بنابراین این در تاریخ تک است اما زینب کبری(س) در این مجلسین آنجا که جای سخنرانی و جای حماسه و جای مقاومت بود گریه نکرد، تنها شد البته گریه کرد؛ این می‌شود عظمت! پس این گریه یک سرمایه است. انسان باید این سرمایه را به پای دوست بریزد. فرمود: گریه ندارند چون عمری را با خنده گذرانده‌اند؛ خب این‌ها مسلح نیستند، آن وقت به اندک چیزی تسلیم شیطان می‌شوند. و وجود مبارک امام سجاد(ع) در دعای ابوحمزه ثمالی به ما آموخت که خدا عرض کنیم خدایا کمکی کن که من اهل ناله باشم. جریان کربلا در تاریخ بی‌سابقه است؛ قبلاً که مثل کربلا اتفاق نیفتاد، بعداً هم الی یوم القیامه کسی مثل حسین بن علی نمی‌آید؛ بنابراین این در تاریخ تک است اما زینب کبری(س) در این مجلسین آنجا که جای سخنرانی و جای حماسه و جای مقاومت بود گریه نکرد، تنها شد البته گریه کرد؛ این می‌شود عظمت! پس این گریه یک سرمایه است. انسان باید این سرمایه را به پای دوست بریزد. فرمود

خادمانه

روایت ارسال خرمای دهه آخر صفر به مشهد توسط خادمیاران شهرستان بم

نذری از دیار نخلستان

ندا امیربیگی| بم پیش از آنکه زمینش بلرزد و دارالصابرین و دارالشاکرین نام بگیرد، شهر نخلستان و گل‌ونه‌ها و شهر خرمای مضافاتی بود. دیاری با نخل‌های بلندقامت و محصولی مقدس و پربرکت که به شکل خوشه از شاخه‌های نخل آویزان می‌شود.

میوه‌ای شیرین با پوست نازک که در دلش هسته‌ای سخت دارد و کام مردم را شیرین می‌کند و مایه قوت وجودشان می‌شود. مردم دیار نخلستان، فصل برداشت محصولشان که می‌رسد اول برای خیر و برکت محصول بخشی از آن را به نیازمندان می‌بخشند و بعد بقیه محصول را برای امرار معاش خود برداشت می‌کنند.

امسال سومین سالی است که خادمیاران رضوی در دهه پایانی ماه صفر مصادف با شهادت امام هشتم(ع) ناب‌ترین دسترنج خود را به بارگاه ملکوتی امام هشتم می‌فرستند و خودشان را به ایستگاه صلواتی در صحن‌های مطهر امام رضا(ع) می‌رسانند تا پذیرای زائران شوند و کام زائران حضرت را شیرین کنند و خستگی راه را از تنشان بیرون ببرند. روایت نذر خرمای خادمیاران بمی را از زبان محمود مهدوی، مسئول کانون‌های خدمت رضوی شهرستان بم می‌شنویم.

■ **نذر خرما**

پدرم حاج عوض مهدوی، کشاورز باصفایی بود که ناب‌ترین محصول باغش میوه سیاه رنگی به نام خرما بود. حاج عوض خرما را میوه بهشتی می‌دانست و همیشه سفارش زیادی می‌کرد که خرما را با احترام برداشت کنیم. پدرم معتقد بود از هر ۳۰ نفر نخل، یک نخل از بهترین آن‌ها باید برای نذر کنار گذاشته شود.

نه تنها اعتقاد حاج عوض این بود بلکه همه کشاورزان بمی برای برکت محصولشان بخشی از آن را نذر می‌کردند و این کار سبب می‌شد محصولشان خیر زیادی داشته باشد.

نذر به استطاعت فرد بستگی داشت؛ برخی نذرها بزرگ و گسترده بود، برخی همان کمک و نذرهای کوچک و بزرگ مردمی بود که جمع می‌شد و بعضی هم نذرهای کوچک و خودمانی. حتی افرادی که فقط جلو خانه‌شان چند تا درخت نخل داشتند بهترین خرما را جدا می‌کردند و برای خشنودی خدا نذری می‌دادند. یادم است شب‌های تاسوعا و عاشورای حسینی مردم ناب‌ترین خرمای باغشان را در قدح یا سینی می‌چیدند و نذر سید الشهدا(ع) می‌کردند و به خانه نیازمندان می‌بردند.

گوشه هر ظرف غذای نذری درشت‌ترین خرماها را می‌گذاشتند تا نذرشان به درجه برسد. مادران و دختران بمی هم برای برآورده شدن حاجاتشان یا عصرهای پنجشنبه برای خیرات اموات، آرد طلایی شده داخل تابه‌ها را با خرما ورز می‌دادند و شیرینی «خرما بریز» درست می‌کردند. هر کس در حد توان خود قسمتی از محصولش را به روش‌های مختلف نذر می‌کرد.

■ **آرزوی خدمت**

خدا رحمت کند حاج احمد آقای کمال‌الدینی یکی از خادمان بارگاه ملکوتی امام رضا(ع) را که از اهالی بم بود و در مشهد سکونت داشت. گاهی که برای زیارت به مشهد می‌رفتم ایشان را ملاقات می‌کردم و از عنایت و توفیقاتش در حرم و بحث ثواب خدمت به زائران امام رضا(ع) برایمان صحبت می‌کرد. خیلی دوست داشتم من هم توفیق خدمت نصیبم شود، تا زمانی که از طرف آستان مقدس رضوی طرح خادمیاری مطرح شد. من هم که بازنشسته فرهنگی و عاشق خدمت بودم از خدا خواسته فوری ثبت‌نام کردم تا مثل حاج احمد طعم خدمت‌رسانی را بچشم. از کیلومترها فاصله با عنوان خادمیار با جان و دل خدمتگزاری می‌کردم. گویی هر لحظه خودم را در بارگاه ملکوتی امام رضا(ع) می‌دیدم. چندین سال نیز همراه با خادمیاران رضوی برای پیاده‌روی اربعین حسینی خودمان را به قافله عشاق رساندیم. در یک سفر، کودکی نگاه و فکر ما را به خودش مشغول کرد. کودک طبقی پر از خرما روی سرش گذاشته بود و به زائران خسته امام حسین(ع) تعارف می‌کرد تا با خوردن این میوه مغذی جان بگیرند و به راهشان ادامه دهند. همان‌جا عهد کردیم ما خادمیاران رضوی هم بخشی از خرمای باغمان را پایان ماه صفر برای زائرانی که پای پیاده به مشهد می‌روند کنار بگذاریم.

■ **برداشتی عاشقانه**

نخستین سال بدون هیچ تبلیغ و اطلاع‌رسانی به همت خادمیاران رضوی و چند تن از خیران بهترین نخل‌های باغ‌هایمان را برای زائران امام هشتم(ع) در نظر گرفتیم. مردان برای بالا رفتن از نخل از کمربندی از جنس لیف خرما برای تکیه‌گاه استفاده می‌کنند، خود را به بالای نخل می‌رسانند و آرام خوشه‌های خرما را با سبدی از شاخه‌های نخل به دست زنان می‌رسانند و آن‌ها این میوه شیرین و مقوی را که بسیار ارزشمند است به آرامی در بسته‌های مقوایی با احترام می‌چینند. چه عشقی در اولین برداشت محصول موج می‌زد. هر کس برای خودش زمزمه یا رضا(ع) داشت. گویی با هر دانه از خرما سخن می‌گفتند و حاجتی را می‌طلبیدند، از نخستین برداشت سه سال می‌گذرد و خادمیاران رضوی هر سال به صورت خودجوش محموله چند تُنی خرما را به مشهد مقدس ارسال کردند که امسال محموله‌ای با بیش از ۵ تن خرما و به ارزش ۱۶۰میلیون تومان به مشهد ارسال شد. نذری با عشق، برداشتی با ارادت و رانندگانی که با اخلاص و بدون دریافت هیچ هزینه‌ای محموله را به مقصد می‌رسانند.

گویی همه دستی بر آتش عشق دارند و برای رضایت محبوبشان خالصانه حرکت می‌کنند. پیش از شیوع ویروس کرونا زائرانی که پای پیاده به سمت مشهدالرضا(ع) می‌رفتند در ایستگاه‌های مختلف از خرمای مضافاتی نذری با چای تناول می‌کردند. اما پس از شیوع ویروس، در دهه پایانی ماه صفر به همت خادمیاران بم و خادمان آستان در صحن غدیر و صحن قدس ایستگاه صلواتی برپا شد و در جوار امام مهربانی‌ها خدمتگزار زائران شدیم.

■ **ایستگاه صلواتی**

سال اول ۱۲ نفر بودیم و از سال‌های بعد ۱۷ نفر شدیم و یک هفته کامل در ایستگاه صلواتی خدمت‌رسانی می‌کردیم. پیرترین خادمیار ۷۰ سال و جوان‌ترین افراد فرزند یکی از خادمیاران بود که ۱۰سال داشت و با به پای همه کار می‌کرد. در ایستگاه صلواتی از ۸ صبح تا نماز مغرب و عشا چای و خرمای بسته‌بندی شده به دست مردم می‌دادیم. هیچ‌کس خسته نمی‌شد. یادم است راننده کامیونی که محموله خرما را به مشهد رساند درست یک هفته ماشینش را پارک کرد و ما را تنها نگذاشت و کمک‌رسان ما بود. در حالی که در این یک هفته می‌توانست کسب درآمد کند و بارهای مختلفی را به مقصد برساند اما عشق و علاقه به خدمت در وجود همه ما موج می‌زد و مرتب از خدا می‌خواستیم توفیق خدمت به زائران امام هشتم(ع) را از ما نگیرد. جمعیت زیادی در صف گرفتن خرما بودند و ما هم با کمال ادب خواسته‌هایشان را قبول می‌کردیم و با احترام هر چند تا که می‌خواستند تقدیمشان می‌کردیم.

روزهای پایانی یا بهتر بگویم ساعات دلتنگی که مصادف با رحلت پیامبر اعظم(ص) و شهادت امام حسن مجتبی(ع) و شهادت امام رضا(ع) می‌شد تعداد زائران و مجاوران بارگاه رضوی بیشتر بود و ما هرگز خسته نمی‌شدیم.

در گفت‌وگوی قدس با حجت‌الاسلام والمسلمین ریاضت مطرح شد

نسخه رفتاری پیامبراعظم (ص) برای زندگی امروز

آمنه مستقیمی:| «رحمت واسعه الهی در بعد رحمانیت و رحیمیت در پیامبر اکرم(ص) تجلی یافته است و حضرت(ص) در فرموده‌های گوناگون بر این روش عملی تأکید می‌کردند که نزدیک‌ترین شما به من در قیامت کسی است که این اخلاق حسنه را از من یاد گرفته و الگو قرار داده باشد. قرآن درباره وجه الگویخشی پیامبر(ص) می‌فرماید: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ»؛ این جملات بخشی از سخنان حجت‌الاسلام والمسلمین محمود ریاضت، کارشناس و خطیب مذهبی است که به مناسبت فرارسیدن ایام رحلت رسول خدا(ص) درباره سبک زندگی ایشان با ما در میان گذاشته است و مشروح آن در ادامه تقدیم حضورتان می‌شود.

■ **اخلاق که از مهم‌ترین مباحث جهان امروز و به نوعی حلقه مفقوده آن است در سیره و سبک زندگی پیامبر اکرم(ص) که در لسان قرآن به عنوان اسوه حسنه معرفی شده‌اند چه تجلیاتی داشته است؟**

در آستانه رحلت جانسوز پیامبر اکرم(ص) آنچه باید باوجود همه صحبت‌ها و نوشتارها بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد، سیره عملی حضرت رسول(ص) در ابعاد فردی، خانوادگی و اجتماعی است تا دریابیم ایشان در هر یک از این ساحت‌ها چگونه عمل می‌کردند. در قرآن چند آیه به صورت بسیار پررنگ ویژگی‌های پیامبر اکرم(ص) را بیان کرده است؛ «وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ» یعنی ایشان به عنوان یک فرد دارای خلق باعظمتی بودند. برای همین است در قدیم وقتی می‌خواستند کسی را به عنوان فردی خوش اخلاق معرفی کنند، می‌گفتند او دارای خُلق محمدی است و مهم آنکه این اخلاق پیامبر(ص) پیش از رسالت به عنوان شخصیتی حقیقی هم زبانزد خاص و عام بوده است. پس از نبوت و رسالت نیز این مهم در ابعاد گوناگون تجلی یافته است، چنان که قرآن می‌فرماید: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ؛ و ما تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم».

به عبارت بهتر، رحمت واسعه الهی در بعد رحمانیت و رحیمیت در پیامبر اکرم(ص) تجلی یافته است و حضرت(ص) در فرموده‌های گوناگون بر این روش عملی تأکید می‌کردند که نزدیک‌ترین شما به من در قیامت کسی است که این اخلاق حسنه را از من یاد گرفته و الگو قرار داده باشد. قرآن درباره وجه الگویخشی پیامبر(ص) می‌فرماید: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ». در روایات است اگر کسی می‌خواهد خدا را به بهترین وجه ملاقات کند و در قیامت در آمیاش باشد باید از حضرت رسول(ص) و اهل بیت(ع) ایشان الگوبگیرد. در این میان امیرالمؤمنین(ع) و ائمه(ع) به بهترین نحو از آن حضرت(ص) الگو گرفته‌اند.

■ **خُلق عظیم پیامبر(ص) در لسان روایات چگونه تعریف شده است؟**

اهل بیت(ع) وقتی می‌خواستند از اخلاق و منش کسی تعریف کنند او را به پیامبر(ص) تشبیه می‌کردند چنان که امام حسین(ع) درباره حضرت علی اکبر(ص) فرمودند: «ای قوم، شما شاهد باشید پسری را به میدان می‌فرستم که شبیه‌ترین مردم از نظر خُلق و خو و منطق به رسول اللّه(ص) است». باید توجه داشت قرآن در تعریف و تمجید پیامبر اکرم(ص) از خُلق عظیم ایشان سخن می‌گوید و ملاک ایمان همین خُلق است.

به تصریح روایات، کامل‌ترین افراد امت در ایمان نمازخوان‌ترین و روزه‌دارترین آن‌ها نیست بلکه خوش اخلاق‌ترین و خوش رفتارترین آن‌هاست به‌ویژه آن‌ها که در برخورد و رفتار با خانواده این خوش خلقی را رعایت می‌کنند. حضرت زهرای مرضیه(س) در تبیین خُلق عظیم پیامبر(ص) نسبت به خانواده می‌فرمایند: کامل‌ترین شما در ایمان نرم‌خوترینشان نسبت به خانواده است و پدرم رسول خدا(ص) نرم‌خوترین شما نسبت به خانواده خود بود. این یعنی کامل‌ترین درجات ایمان متعلق به حضرت رسول اکرم(ص) بوده است.

■ **معنویت که آرامش و طمأنینه روحی قلبی را برای انسان به ارمغان می‌آورد در سیره رسول خاتم(ص) که رحمتی برای عالمیان هستند، چه تعریف و تجلیاتی دارد و الگو گرفتن از آن چه برکاتی را نصیب ما می‌کند؟**

از ویژگی‌های مهم پیامبر(ص) در ابعاد فردی، اجتماعی و خانوادگی غلبه معنویت بوده است، چنان که عبادت، مناجات، تهجد و خلوت ایشان با خدا زبانزد خاص و عام بود. اصلاً یکی از واجبات بر پیامبر(ص)، بیداری و خلوت شب بوده است یعنی همان عملی که پیامبران الهی به واسطه آن به مقام محمود یعنی شفاعت کبری دست یافته‌اند. بنابر تصریح روایات، رسول خدا(ص) نمازهای طولانی می‌خواندند و شب‌ها به تضرع و مناجات در درگاه الهی می‌پرداختند، چنان که از همسران ایشان نقل شده چون آن حضرت(ص) را در بستر نمی‌یافتند، می‌دیدند پیامبر(ص) در حال عبادت، گریه، سجده، تضرع و مناجات هستند. ایشان رابطه‌ای خاص و سرشار از معنویت با خدا داشتند که در دعاها، نمازها و عبادات و تهجدا تشان بروز و ظهور دارد. این مناجات‌ها به قدری در اوج بوده که وقتی به امام سجاد(ع) بابت ازدیاد دعا و عبادت گلایه می‌کنند، حضرت(ع) می‌فرمایند: عبادت من کجا و عبادت رسول خدا(ص) کجا؟!

مهم آنکه وقتی گفته می‌شود علی(ع) نفس پیامبر(ص) است یعنی همه رفتار و سیره ایشان عین سیره رسول خدا(ص) است. در وصف عبادت مولای متقیان(ع) آمده ایشان روزی هزار رکعت نماز می‌خواندند، شب‌ها در نخلستان‌ها مناجات می‌کردند و از خوف خدا چندین بار از حال می‌رفتند... همه این رفتارها با الهام و الگوگیری از پیامبر(ص) بوده است.

■ **این معنویت در سیره و سبک زندگی پیامبر(ص) صرفاً جنبه تهجد و خودسازی فردی داشت یا دامنه‌ای گسترده‌تر را شامل می‌شود؟**

رسول خدا(ص) عبادت و معنویت را فقط در نماز و مناجات و دعاهای شخصی نمی‌دیدند بلکه کل زندگی و مسیر درست آن را عبادت می‌دانستند؛ چنان که رفتار و کار در خانه را نیز عبادت قلمداد می‌کردند و به امیرالمؤمنین(ع) فرمودند: مردی که درخانه به همسرش کمک می‌کند ثواب چندین حج را می‌برد. ایشان حتی نگاه کردن به چهره همسر را عبادت معرفی کردند. از این رو، دایره عبادت در سیره نبوی(ص) به نماز و روزه و دعا و سجده‌های طولانی محدود نمی‌شود، هر چند این بعد هم پررنگ و برای ما الگوبخش است.

پیامبر اعظم(ص)، کمک به دیگران و گره‌گشایی از آن‌ها را هم عبادت می‌دانستند تا جایی که حتی ثوابی برتر از نماز شب و اعتکاف برای آن برشمرده‌اند. چنان که امام حسین(ع) فرمودند از جدم رسول خدا(ص) شنیدم: بازار کردن گره از کار مؤمن یا مؤمنه یا حل گرفتاری او از ۱۰۰ اعتکاف در مسجدالنبی(ص) در رکاب رسول خدا(ص) بالاتر است. آنچه را ما عبادت نمی‌دانیم در سیره و سنت نبوی(ص) عبادت محسوب می‌شود و معنویت باید در اعمال، رفتار و گفتار ما تجلی بیابد. برای همین است رسول خدا(ص) کسی را که برای خانواده و روزی حلال کار می‌کند، مجاهد در راه خدا معرفی کرده‌اند. یعنی کار کردن و کسب درآمد حلال و امرار معاش از این راه در نظرگاه حضرت رسول(ص) در زمره عبادات مهمی همچون جهاد در راه خداست. ایشان همچنین از قشری گرایی و تک‌بعدی بودن در سیره عملی و نظری پرهیز داشته و تأکید کرده‌اند عبادات را منحصر به امور قشری نکنیم و دامنه آن را در همه ابعاد و زوایای زندگی و با قصد قربت تسری دهیم.

■ **در سیره اجتماعی پیامبر(ص) الگو گرفتن از چه ویژگی‌هایی می‌تواند به حل مشاجرات، درگیری‌ها و معضلاتی که دامنگیر امروز ما شده، کمک کند؟**

مدارا با مردم یکی از نیازهای جامعه امروزی ماست چراکه متأسفانه آستانه تحمل ما پایین آمده و ما خوب یکدیگر را نمی‌شنویم در حالی که پیامبر(ص) سخن دیگران را حتی آن‌ها که ایشان را قبول نداشتند، می‌شنیدند و مدارا با مردم مورد تأکید ایشان بود. رسول خدا(ص) اهل مدارا بودند و لازمه این صفت را انصاف می‌دانستند. آن حضرت(ص) توصیه داشتند انسان در برخوردهای اجتماعی انصاف داشته باشد و در تبیین انصاف فرمودند: آنچه برای خود می‌پسندید برای دیگران هم بپسندید و آنچه برای خود نمی‌پسندید برای دیگران هم نپسندید. این یعنی اگر برخورد توأم با آرامش و راستگویی، بدون غیبت و تهمت و آبروریزی را از مردم توقع داریم خود نیز چنین باشیم.

متأسفانه مدارا با مردم از حلقه‌های مفقوده امروز اجتماع ماست چون ما همه چیز را برای خودمان می‌خواهیم در حالی که چنین نگاه و رفتاری خلاف سیره نبوی(ص) است. پیامبر(ص) می‌فرمودند: اگر می‌خواهید خدا در قیامت به شما سخت نگیرد شما هم اهل مدارا و سهل گیری در حق دیگران باشید. باید توجه داشت بنابر سیره و سنت رسول خدا(ص)، این مدارا دامنه‌ای وسیع دارد و شامل همه افرادی می‌شود که در دایره تعامل و ارتباطات ما قرار می‌گیرند.

■ **اگر تنها همین مثلث اخلاق، معنویت و مدارا با مردم در سیره اجتماعی رسول خدا(ص) را در سبک زندگی خود به فدرتوان پیاده و عملیاتی کنیم چه مشکلاتی از جامعه ما به عنوان امت ایشان برطرف می‌شود؟**

داشتن خُلق عظیم، معنویت فردی و اجتماعی و روحیه مدارا با مردم سبب می‌شود در عرصه‌های خانوادگی بسیاری از مشکلات ما حل شود. یک دلیل آمار بالای طلاق در جامعه ما پایین بودن آستانه تحمل زوجین است که به دلیل آن برشمرده‌اند. عصبانی و مکدر می‌شوند چون ظرفیت‌هایشان بالا نرفته است. باید این ظرفیت در اثر مدارا و انصاف بالا برود. بنابراین اگر همین سه اصل مهم را از سیره نبوی(ص) الگو بگیریم، یعنی اخلاق داشته باشیم، برای خدا کار کنیم نه خلق خدا و حرف دیگران را بشنویم بیش از ۵۰ درصد از مشکلات ما در ابعاد فردی، خانوادگی و اجتماعی حل می‌شود. اینکه بسیاری از پرونده‌ها در شورای حل اختلاف یا صحبت و دعوت به آرامش و مدارا و تحمل حل می‌شود و به دادگاه نمی‌رود به دلیل همین ظرفیت‌سازی است.

در اختلافات حقوقی تجاری نیز چنین است یعنی چون همدیگر را تحمل نکرده‌ایم کار به دعوا و اختلاف رسیده و شورای حل اختلاف حل مدارا را تقویت می‌کند تا مرافعه برطرف شود. در حالی که اگر پیش از آن با الگو از سیره نبوی(ص) عمل می‌کردیم کار به آنجا نمی‌کشید.

حضرت زهرای مرضیه(س) می‌فرمایند: کامل‌ترین شما در ایمان نرم‌خوترینتان نسبت به خانواده است و پدرم رسول خدا(ص) نرم‌خوترین شما نسبت به خانواده خود بود. این یعنی کامل‌ترین درجات ایمان متعلق به ایشان بوده است.

گزیده

جهان شهر

پژوهشگر مسیحی مطرح کرد

امام رضا(ع) آغازگر گفت‌وگوی بین ادیان است

پژوهشگر مسیحی و استاد دانشگاه لبنانی گفت: امام رضا(ع) آغازکننده گفت‌وگوی بین ادیان به‌ویژه اسلام، مسیحیت و یهودیت بوده است.

به گزارش ایرنا دُرَیه حبیب‌سَقّال در نشست بین‌المللی امام رضا(ع) و ادیان که به صورت ویبینار برگزار شد، اظهار کرد: امام رضا(ع) در دورانی ظهور کردند که علم و دانش و کتابخانه‌ها رواج بسیاری یافته بود و همه دانشمندان در مورد تسلط ایشان بر علوم و دانش هم‌عقیده بودند، آن حضرت دارای قوه شهود چشمگیری بود که جهت گیری وی را به سوی همگرایی تقویت کرد.

وی گفت‌وگوی علمی را مهم‌ترین عامل همگرایی ادیان در حالت عام دانست و گفت: مناظرات متعددی بین امام رضا(ع) و مسیحیان، یهودیان و صابئین و ساحرین صورت گرفت. در دوران خلافت مأمون و تسلط دیدگاه معتزله، گفت‌وگوی بین ادیان و مذاهب در مفهوم کنونی وجود داشت و بنابراین گفت‌وگوی دینی بر اساس ارزش‌های عقلانی و اخلاقی شکل گرفته بود.

این زبان‌شناس و مترجم لبنانی گفت: اگر شما با فرد دیگری درباره یک دین صحبت کنید لازم نیست منطق و دلیل شما را درباره این دین بداند چراکه قطعاً به آن ایمان ندارد ولی بر اساس منطق و پایه‌های عقلانی ثابت مثل دلایل و شواهد، باید به تفکر دیگری احترام گذاشت به نحوی که این احترام منجر به ارتباطی منطبق بر دلایل منطقی می‌شود و شما را ملزم به احترام به دیگر مخاطبان می‌نماید.

حبیب‌سقال با بیان اینکه تحجر و تعصب جز با گفت‌وگوی بین ادیان از بین نمی‌رود، اظهار کرد: برخی گفت‌وگوهای تحریک‌کننده که به‌طور گسترده در رسانه‌ها منتشر می‌شود موجب متلاشی شدن تمدن می‌شود و تصوری منفی از دین ارائه می‌کند، این عملکرد دعوت به زوال و نابودی و لغو ارزش‌ها می‌کند که در نهایت سبب از بین رفتن ارتباط بین ادیان خواهد شد.

این استاد مسیحی دانشگاه لبنان گفت: زمانی که رئیس جمهور آمریکا، جورج دبلیو بوش اعلان جنگ علیه تروریسم کرد، منظورش از تروریسم، اسلام بود و از طرفی بوش با این اقدام شالوده‌های اساسی مسیحیت را که دعوت به عشق و تساهل (مدارا) است مورد حمله قرار داد.

وی خاطرنشان کرد: زمانی که گروه‌های اسلامی افراطی همچون داعش یا القاعده در واکنش به اعلان جنگ علیه خود، دعوت به نشر آنچه اسلام می‌نامیدند نمودند، تابلو وحشتناکی از اسلام ترسیم شد که منجر به اسلام‌هراسی و از بین بردن اسلام متمدن شد.

پژوهشگر لبنانی اضافه کرد: آنچه هم اکنون دولت اسرائیل می‌نامیم به بهانه دفاع از یهودیان، به طرز وحشیانه و خشنی با مردم و به‌ویژه فلسطینیان رفتار می‌کند که این اقدام موجب می‌شود یهودیت که نقاط مشترک زیادی با اسلام و مسیحیت دارد، زیرسؤال برود. حبیب سقال گفت: گفت‌وگوی دینی در پرتو دانش و ارزش‌ها نیاز به نقشی تربیتی دارد که توسط نهادها تقویت و مورد توجه باشد.

وی ادامه داد: در حال حاضر و در مرحله پست مدرن که گرایش‌های انزواگرایانه، نژادپرستانه و متعصبانه در حال ترویج است گفت‌وگوی دینی در پرتو دانش و ارزش‌ها برای نجات تمدن بشریت از سقوط و کارایی دین به عنوان راهکار و انعکاس تاریخ به‌شدت ضروری است.

درحاشیه

چشم‌ها خشک نمی‌شود مگر به خاطر قساوت قلب و دل‌ها قساوت پیدا نمی‌کند مگر به سبب زیادی گناه.

وسائل الشیعه ج۱۶، ص۴۵

درحاشیه

عهد اربعین

چندین سال نیز همراه با خادمیاران رضوی برای پیاده‌روی اربعین حسینی خودمان را به قافله عشاق رساندیم. در یک سفر، کودکی نگاه و فکر ما را به خودش مشغول کرد. کودک طبقی پر از خرما روی سرش گذاشته بود و به زائران خسته امام حسین(ع) تعارف می‌کرد تا با خوردن این میوه مغذی جان بگیرند و به راهشان ادامه دهند. همان‌جا عهد کردیم ما خادمیاران رضوی هم بخشی از خرمای باغمان را پایان ماه صفر برای زائرانی که پای پیاده به مشهد می‌روند کنار بگذاریم.

درنگ

در هفتمین قسمت برنامه تلویزیونی «سوره» بررسی شد

دینداری بنی‌امیه چگونه بود؟

به گزارش روابط عمومی برنامه سوره، هفتمین قسمت از این برنامه تلویزیونی، فصل حسن بن علی (ع) به موضوع «درباره معاویه» اختصاص داشت. میهمان این برنامه، حسن تراکشوند، پژوهشگر تاریخ و کلام اسلامی بود.

تراکشوند پس از معرفی نسب و خاندان معاویه، گفت: معاویه شخصیتی مستقل از پدرش ابوسفیان دارد ولی پس از مسلمان شدنش هم باورها و عقاید او را خواهید دید. معاویه تا ۲۸ سالگی بت‌پرست و مشرک بوده است. وقتی ابوسفیان مسلمان می‌شود، معاویه در مکه حضور نداشته ولی وقتی باخبر می‌شود پدرش مسلمان شده، نامه توبیخ‌آمیزی خطاب به پدرش می‌نویسد و او را به خاطر مسلمان شدنش سرزنش می‌کند. در جریان مفاخره که معاویه تدارک دیده بود امام حسن(ع) هم حضور داشت. ایشان در این مجلس رو به معاویه می‌کند و می‌گوید: «معاویه تو کافر بوده‌ای و بت‌ها را می‌پرستیدی و حالا داری امیرالمؤمنین که به هر دو قبله نماز می‌خوانده را سرزنش می‌کنی؟» این روایت نشان می‌دهد معاویه چقدر روی باور مشرکانه خود پافشاری می‌کرده است.

این پژوهشگر تاریخ و کلام اسلامی گفت: روایت‌هایی از پیامبر و امیرالمؤمنین(ع) داریم که حکایت از بی‌دینی معاویه دارد. معنی منافق هم همین است که در ظاهر یک چیز بگویی ولی در باطن گونه دیگری رفتار کنی. نامه‌ای بین معاویه و قیس بن سعد رد و بدل شده که قیس بن سعد در این نامه می‌گوید: معاویه تو بت‌پرستی و بابی‌میلی به اسلام رو آوردی و به اختیار خودت از اسلام بیرون رفتی اما ما انصار و یاران دینی هستیم که تو از آن بیرون رفتی. همه این روایاتی که تاکنون گفتم روایات مشترک اهل سنت و شیعه است. عبدالله بن عمر هم در روایت دیگری نقل می‌کند یک‌بار پیامبر به ایشان گفته الان مردی از در وارد می‌شود که به غیر از دین ما از دنیا می‌

خبر امروز

توزیع بسته‌های متبرک

با همکاری معاونت خدمات اجتماعی بنیاد کرامت رضوی و به‌نشر (انتشارات آستان قدس رضوی) ۴ هزار بسته متبرک رضوی در بین هیئت‌های مذهبی شهر مشهد و مواکب عراق توزیع شد. مدیرعامل به‌نشر در گفت‌وگو با آستان‌نیوز گفت: بسته‌های متبرک رضوی در بین هیئت‌های مذهبی، موکب‌ها و روضه‌های خانگی شهر مشهد و همچنین در میان زائران پیاده اربعین حسینی در مواکب عراق توزیع شده است. این بسته‌ها حاوی اقلامی از جمله قند، روغن، نبات، نمک، گلاب و پرچم متبرک رضوی بوده و طراحی، چاپ و بسته‌بندی اقلام توسط به‌نشر انجام شده است.

در دهه اول ماه محرم نیز در راستای ترویج فرهنگ عزاداری، عاشورا و نهضت امام حسین(ع)، تعظیم شعائر حسینی در شهر مشهد، بسته‌های فرهنگی شامل ۱۱ هزار جلد کتاب «آزمون عزاداران» و ۱۰ هزار جلد کتاب «شهادت‌نامه حسین(ع) و شهیدان کربلا؛ سیر نهضت حسینی بر اساس کهن‌ترین منابع» به همراه پرچم متبرک رضوی تهیه و توسط سازمان علمی و فرهنگی آستان قدس رضوی به هیئت‌های مذهبی شهر مشهد که به نوعی تریبون شیعه هستند، به صورت رایگان اهدا شد.

دانشگاه رضوی

دوره مجازی «امام رضا شناسی»

دوره مجازی «امام رضا شناسی» ویژه تمامی علاقه‌مندان با اعطای گواهی‌نامه پایان دوره به همت مرکز معرفت و مهارت دانشگاه علوم اسلامی رضوی برگزار می‌شود. حجج اسلام والمسلمین علوی تهرانی، ناصر رفیعی، محمدحسین رجبی دوانی و... مباحث این دوره را تدریس خواهند کرد.

از مباحث این دوره می‌توان به سیره علمی حضرت رضا(ع)، فرهنگ‌سازی کلام عاشورا در کلام حضرت و... اشاره کرد. مهلت نام‌نویسی این دوره تا ۲۰ مهر ماه بوده و هزینه آن با ۷۰ درصد تخفیف به مناسبت ایام شهادت امام رضا(ع) ۲۴ هزار تومان در نظر گرفته شده است. علاقه‌مندان برای نام‌نویسی در این دوره می‌توانند به سایت maharat.razavi.ir مراجعه کنند.

راه و رسم بازاریان در پویش «همه خادم‌الرضاییم»

هوای زائر «آقا» را داریم

عکس رضوی - علی کریمی رستگار

گویده

صاحب فروشگاه از آداب حضور در محضر امام معصوم برایمان می‌گوید: هر روز صبح رو به گنبد و گلدسته مطهر آقا دست به سینه سلام می‌دهیم و عرض ادب می‌کنیم، بعد کرکره مغازه را بالا می‌کشیم، به این امید که از این وجود مقدس، رزق و روزی ما برکت بگیرد.

سارا صالحی

همیشه خادم بودن، منتهای آرزوی هر مرید و دلداده اهل بیت(ع) بوده. چه کسی است که نخواهد به قبای خادمی ملبس شود و زائران و میهمانان امام را خوشامد گوید؟ ولی چطور ممکن است، خیل میلیونی عاشقان امام هشتم در فضای محدود حرم مطهر رضوی مشغول خدمت شوند؟ مگر اینکه معنا و مفهوم خدمت و خادمی گسترش پیدا کند و فقط به خدمت در بارگاه منور رضوی محدود نشود؛ یعنی می‌شود هر فرد با هر توان مالی و هر تخصص و حرفه، کاری را برای خشنودی امام هشتم انجام دهد و خادم آقا باشد.

■ **مراقبم زائران آقا را نرنجانم**

همه اقشار و گروه‌های اجتماعی مخاطب پویش «همه خادم الرضاییم» هستند. خادمان حرم مطهر رضوی هم برای ترویج این شعار و خدمت، در نخستین گام این پرچم را بین کسبه و بازاریان اطراف حرم توزیع کردند تا همسایگان آقا را به مشارکت در این خدمت دعوت کنند. حالا بسیاری از این مغازه‌ها به پرچم سیاه «همه خادم الرضاییم» مزین شده و مفهوم خادمی هم بیشتر از پیش توسعه پیدا کرده است. با تعدادی از این بازاریان اطراف حرم همکلام شده‌ایم.

نخستین مقصدمان، یک لباس‌فروشی است؛ درست روبه‌روی ورودی حرم مطهر رضوی و پرچم پویش همه خادم‌الرضاییم در ورودی مغازه نصب شده است. صاحب فروشگاه از آداب حضور در محضر امام معصوم برایمان می‌گوید: هر روز صبح رو به گنبد و گلدسته مطهر آقا دست به سینه سلام می‌دهیم و عرض ادب می‌کنیم، بعد کرکره مغازه را بالا می‌کشیم، به این امید که از این وجود مقدس، رزق و روزی ما برکت بگیرد.

هر روز مراقبم، کاری نکنم زائر امام هشتم از من رنجیده خاطر شود و یا امام رفتارم را نپسندند، چون رضای خدا در گرو رضایت ایشان است. وقتی هدف پویش «همه خادم‌الرضاییم» را برایش توضیح می‌دهیم و می‌پرسیم که چطور رسم همسایگی را به سهم خود ادا می‌کند، جواب می‌دهد: تکریم زائر و مجاور حضرت رضا(ع) بهترین کاری است که کاسبان مشهدی می‌توانند انجام دهند. خودم وقتی می‌بینم زائری توان مالی چندانی برای یک خرید مناسب ندارد، تا جایی که بتوانم با آن‌ها راه می‌آیم و کرامتشان را هم حفظ می‌کنم. وارد یک آژانس مسافرتی می‌شویم. مسئول دفتر، بیرق پویش را نزدیک پرچم کشورمان جانمایی کرده است؛ دو پرچمی که مایه عزت و افتخار ملت ایران است. آرزویش این است که بتواند زیر سایه حضرت رضا(ع)، سهمی در این خدمت داشته باشد و با تلاش همکارانش میزبان خوبی برای زائران حضرت رضا(ع) باشند.

■ **خوش‌خلقی، مدارا و انصاف**

به سراغ یکی دیگر از کاسبان اطراف حرم می‌رویم. از او هم می‌پرسیم که چگونه حق خادمی و مجاورت امام رئوف را به جا می‌آورد، جواب می‌دهد: همین چند دقیقه پیش، دو زائر وارد مغازه شدند و ۲۰ جفت کفش پوشیدند و دست آخر هم رفتند ولی من ذره‌ای اخم به ابرو نیاوردم. همیشه می‌گویم که مدارا و انصاف، دو شرط موفقیت و وسعت رزق یک کاسب هستند و در حد توانم به آن عمل می‌کنم. زائران آقا هم جای خود دارند و سعی می‌کنم همیشه با آن‌ها خوش‌برخورد باشم. گوشه‌ای از مراکز خرید پیرامون حرم، یکی از فروشندگان لوازم خانگی هم بیرق پویش را آویزان کرده است و می‌گوید: با افتخار آن را بهترین جای مغازه‌ام نصب کرده‌ام. آقای مرتضوی درباره شعار و پویش «همه خادم‌الرضاییم»، می‌گوید: در مواجهه با مشتریان تا حد امکان مدارا و مراعات را سرلوحه کارم کرده‌ام تا پیرو عملی رفتار امام رضا(ع) باشم. من هم یک آدم هستم و ممکن است گاهی خسته و عصبانی شوم، اما همیشه سعی می‌کنم با زائران آقا تندخویی نکنم. حتی گاهی مشتریان ما که اکثراً زائر هستند، ظرفی را شکسته‌اند اما گله‌ای نکرده‌ام.

■ **حال خوب**

یکی از بیرق‌های متبرک هم سهم یک انگشترفروشی شده. فروشنده می‌گوید: تلاش می‌کنم کمترین سود را در نظر بگیرم. به جز مسائل اقتصادی هم هر کمکی که زائر بخواهد کوتاهی نمی‌کنم. گاهی با راهنمایی کردن، گاهی با کمک برای پیدا کردن محل استراحت، بعضی وقت‌ها هم در حد وسعم از آن‌ها دستگیری می‌کنم. از تکرار پرسش‌های آن‌ها هم خسته نمی‌شوم و با روی خوش جوابشان را می‌دهم.

از جمله فروشگاه‌های پرتعداد اطراف حرم، واحدهای صنفی لباس‌فروشی است.

از جوانی که در یکی از همین مغازه‌ها مشغول صحبت با مشتری است می‌پرسم آیا روش کار و کسب و درآمدش با کاسبی که در شهرهای دیگر مشغول است، فرق می‌کند؟ او می‌گوید: قطعاً فرق می‌کند، من هر روز با سلام به آقا کارم را شروع می‌کنم و آخر وقت هم با همین سلام کارم را تمام می‌کنم. حواسم هست که هوای زائر آقا را داشته باشم و با حال خوب روانه‌اش کنم.

او درباره باور قلبی خودش هم می‌گوید: «تا پیش از آمدن کرونا فکر می‌کردم هر چه دارم از سعی و تلاش خودم دارم ولی در این دو ساله با کم شدن زائران، نه فقط من، همه فهمیدیم که هر چه داریم از وجود پربرکت امام هشتم است».

مسلماً کوچکی و بزرگی خدمت، رتبه و عنوان خادم و... ملاک خادمی نیست و به تعداد عاشقان و مریدان این بارگاه، فرصت خدمت فراهم است؛ هم برای کاسبان و بازاریان اطراف، هم برای من، هم برای شما و...

خدمات گسترده بنیاد کرامت رضوی در موج پنجم کرونا

بیماران و محرومان در پناه امام رضا(ع)

به گزارش آستان‌نیوز، آستان قدس رضوی در طول ۱۸ ماه کرونایی کشور، خدمات گسترده‌ای به بیماران، نیازمندان و مستضعفان ارائه کرده که بخش قابل توجهی از آن به همت بنیاد کرامت رضوی، پای کار آمدن کانون‌های خدمت در استان‌ها و مشارکت خادمیاران و یاوران رضوی محقق شده است.

«استاد آقا» مدیرعامل بنیاد کرامت رضوی می‌گوید: این بنیاد با همراهی خادمیاران رضوی در اقصی نقاط کشور تلاش کرده باری از روی دوش مردم و کادر درمانی بردارد و به لطف حضرت رضا(ع) در این مسیر خدماتی به ارزش ۴۵۰ میلیارد ریال در ۳۱ استان ارائه شده است.

در موج پنجم کرونا نیز خادمیاران رضوی خدمات گسترده‌ای در سراسر کشور ارائه کردند؛ از تهیه و توزیع ماسک و کپسول اکسیژن و پرداخت هزینه دارو و درمان بیماران گرفته تا توزیع بسته‌های معیشتی و رفع نیازهای اقتصادی مستمندان.

مهدی رضوی‌کیا، مدیر مرکز خادمیاری و کانون‌های خدمت رضوی در استان‌ها هم می‌گوید: پوشش هزینه درمان ۲ هزار و ۴۷۶ بیمار و ویزیت رایگان ۱۷ هزار نفر، تهیه ۲ هزار و ۸۴۶ دستگاه ملزومات بیمارستانی، توزیع یک هزار و ۱۲۴ کپسول اکسیژن، توزیع یک میلیون و ۳۰۷ هزار عدد ماسک، توزیع ۱۶۶ هزار و ۶۳۷ لیتر مواد ضدعفونی و راه‌اندازی ۴۲ کارگاه تولید ماسک از جمله اقدام‌های بهداشتی و درمانی بنیاد کرامت رضوی در موج پنجم کرونا بوده که با حضور و همکاری حدود ۲ هزار و ۶۰۰ خادمیار و ۴۴۰ گروه جهادی انجام شده است.

آگهی مزایده مال منقول نوبت اول

به موجب دادنامه ۹۵۰۹۹۷۵۱۷۰۰۰۱۱۵۴صادره از شعبه یک دادگاه عمومی وحقوقی شهرستان تایباد محکوم علیه امین استینی محکوم است به پرداخت مبلغ ۱.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال بابت اقساط معوق محکوم به پرونده در حق اسماعیل خیراندیش و مبلغ ۴۸.۰۰۰.۰۰۰ریال بابت نیم عشر در حق دولت در پرونده اجرایی شماره ۹۹۰۰۳۳۹که شخص ثالث محسن استینی با معرفی یک دستگاه خودروی پراید وانت به شرح نظریه کارشناسی ذیل ضمانت پرداخت محکوم علیه را نموده که به علت عدم پرداخت خودروی موصوف توقیف و به قیمت ۱.۱۰۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال (یکصدوده میلیون تومان)ارزیابی شده است بدینوسیله جهت فروش شروع مزایده ساعت ۱۰الی ۱۱روز ۱۴۰۰/۷/۲۴(شنبه)در محل اجرای احکام مدنی حوزه قضایی تایباد تعیین می گردد مزایده از قیمت کارشناسی شروع و به کسی که بالاترین قیمت را پیشنهاد نماید واگذار خواهدشد در صورت تمایل متقاضیان می توانند ۵روز قبل از موعد مزایده به این اجرا مراجعه تا ترتیب بازدید ایشان از مال داده شود لازم به ذکر است ۱۰درصد بهای مزایده فی المجلس وبه صورت نقدی به عنوان سپرده و مابقی ظرف یک ماه از خریدار دریافت خواهد شد در صورتیکه به هر دلیل خریدار در زمان مقرر بهای مزایده را نپردازد ۱۰درصد سپرده وی به نفع دولت ضبط خواهد شد چنانچه تاریخ مزایده مصادف با روز تعطیل باشد روز بعد روز مزایده تلقی خواهدشد.

مشخصات خودرو:یکدستگاه خودروی پراید وانت به شماره انتظامی ۳۲-۹۷ه۲۲مدل ۱۳۹۷رنگ سفید و وضعیت موتور ودستگاه انتقال نیرو وفرمان وسیستم جلوبندی همگی سالم و وضعیت اتاق سر گلگیر جلو راست جزئی خوردگی و کلاف درب راست جزئی رنگ دارد و بقیه سالم وبی رنگ میباشد وضعیت لاستیک خودرو خوب بوده و تا تاریخ ۱۴۰۰،۳،۱۷دارای بیمه است و اتومبیل دارای اتاق مسقف وکفه فایبر گلاس می باشد.آ۱۴۰۶۲۱۲

دادورز اجرای احکام شعبه۱دادگاه عمومی حقوقی شهرستان تایباد-صادق دادمحمدی سرخسی

آگهی مزایده اموال منقول پرونده اجرایی کلاسه ۱۴۰۰۰۰۴۰۰

به موجب پرونده اجرایی کلاسه فوق یک دستگاه خودرو سواری پژو آردی رنگ یشمی روغنی مدل ۱۳۸۴ به شماره پلاک انتظامی ۱۱- ایران ۷۱۷ ق۱۵ متعلق به احمد فلاح مقدم(علیه ورثه ی مرحوم فلاح مقدم) میباشد شماره موتور ۱۱۷۸۴۰۲۱۱۵۱ شماره شاسی ۱۳۴۲۲۹۷۷ دارای پلاکت مشخصات و شاسی فاقد بیمه شخص ثالث دومحور چهارسیلندر چهارچرخ سوخت بنزین که به استناد سند نکاحیه ۱۱۱۱۴۰- ۱۳۸۲/۰۷/۳۰ دفترخانه ازدواج شماره ۲ وطلاق شماره ۳ شهرستان فردیس استان البرز در قبال طلب خانم زهرا بغلانی پورصونیخ در قید بازداشت میباشد.که طبق نظر کارشناس رسمی دادگستری در مورخ ۱۴۰۰/۰۵/۳۱ ارزیابی گردیده:توصیف اجمالی آن عبارت است: زمان بازدید کارشناسی:اتاق سالم می باشد قوس گلگیر عقب و راست و چپ خوردگی دارد سرگلگیر هم خط خوردگی دارد درب عقب زیر زه آثار برخورد مختصر دارد سپرجلو وعقب سالم چراغ های جلو وعقب سالم شیشه جلو ترک دارد وبقیه شیشه ها سالم آینه بغل چپ شکسته و آینه بغل راست سالم صندلیها جلو و عقب سالم داشبورد سالم تودوزی سالم رادیو پخش ندارد بلندگوهای فابریک دارد موتورسالم دارد گیربکس ودیفرانسیل سالم لاستیک جلو ۵۰ درصد ولاستیک عقب ۴۰ درصد زاپاس و جک دارد باربند دارد صندوق عقب مختصری پوسیدگی دارد باطری سالم موتوروروشن میباشد.طبق نظر کارشناس رسمی دادگستری در مورخ ۱۴۰۰/۰۵/۳۱ مبلغ ۳۲۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال ارزیابی شده؛از طریق مزایده به فروش میرسد.مزایده روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۰/۰۷/۲۷ از ساعت ۹ الی ۱۲ در محل پارکینگ مهر به نشانی:جاده ملاردکوچه یاس برگزار میگردد.مزایده از مبلغ ۳۲۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال شروع به بالاترین قیمت پیشنهادی نقدا فروخته می شود و کلیه هزینه های قانونی به عهده برنده مزایده است ونیم عشر وحق مزایده نقدا وصول خواهد شدو شرکت در مزایده منوط به پرداخت ده درصد از مبلغ پایه کارشناسی به حساب سپرده ثبت وحضور خریدار یا نماینده قانونی او در جلسه مزایده است.برنده مزایده مکلف است مابه التفاوت مبلغ فروش را ظرف مدت پنج روز از تاریخ مزایده به حساب صندوق ثبت تودیع نماید ودر صورتی که ظرف مهلت مقرر ،مانده فروش را به حساب سپرده ثبت واریز نکند،مبلغ مذکور قابل استرداد نبوده و به حساب خزانه واریز خواهد شد.در این صورت ،عملیات فروش از درجه اعتبار ساقط و مزایده تجدید می گردد.چنانچه روز مزایده مصادف با تعطیل رسمی غیر مترقبه گردد،در روز اداری بعد از تعطیل درهمان محل وساعت انجام می شود.آ۱۴۰۶۱۹۷

تاریخ انتشار روز مورخه ۱۴۰۰/۰۷/۱۱

معاون اجرای کرج- تقوی

آگهی مزایده اموال منقول پرونده اجرایی کلاسه ۹۹۰۴۸۵۵

به موجب پرونده اجرایی کلاسه فوق یک دستگاه اتومبیل سواری پژو پارس رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۹۵ تیپ پارس XUM-ELX دارای پلاک انتظامی ۶۸- ۹۷۳ ن۲۲ متعلق به مرحوم همایون صفدری میباشد شماره موتور M۰۰۰۷۶۲۳ ۱۶۱ و شماره شاسی NAAN ۸۱ UE۶GH۰۶۱۵۲۸ می باشد که به استناد سند ازدواج شماره ۴۳۸۱ در قبال صداقیه خانم مریم رستم پور در قید بازداشت میباشد طبق نظریه کارشناس رسمی دادگستری در مورخه ۱۴۰۰/۰۳/۱۷ وضعیت خودرو عبارت است از موتور خاموش وباطری غیرفعال و اما موتور به ظاهر سالم- سپر عقب وبدنه به ظاهر سالم وعاج لاستیک ها حدود ۷۰ درصد مستهلک است- مدارک وبیمه شخص ثالث رویت نشد پرچ پلاکت- مشخصات وپلاکت شاسی وحک موتور فابریک میباشد اصالت مورد تایید است- اتومبیل فوق در پارکینگ ثامن واقع در کرج- بلوار مصطفی خمینی – پارکینگ ثامن توقیف میباشد حسب اظهاروکیل بستانکارخودرو فاقد بیمه میباشد.طبق نظرکارشناس رسمی دادگستری خودرو فوق به مبلغ ۱/۸۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال ارزیابی شده؛از طریق مزایده به فروش میرسد.مزایده از ساعت ۹ الی ۱۲ روز شنبه مورخ۱۴۰۰/۰۷/۲۴ در محل پارکینگ فوق از طریق مزایده به فروش میرسد.مزایده از مبلغ ۱/۸۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال شروع به بالاترین قیمت پیشنهادی نقدا فروخته می شود و کلیه هزینه های قانونی به عهده برنده مزایده است ونیم عشر وحق مزایده نقدا وصول خواهد شدو شرکت در مزایده منوط به پرداخت ده درصد از مبلغ پایه کارشناسی به حساب سپرده ثبت وحضور خریدار یا نماینده قانونی او در جلسه مزایده است.برنده مزایده مکلف است مابه التفاوت مبلغ فروش را ظرف مدت پنج روز از تاریخ مزایده به حساب صندوق ثبت تودیع نماید ودر صورتی که ظرف مهلت مقرر ،مانده فروش را به حساب سپرده ثبت واریز نکند،مبلغ مذکور قابل استرداد نبوده و به حساب خزانه واریز خواهد شد.در این صورت ،عملیات فروش از درجه اعتبار ساقط و مزایده تجدید می گردد.چنانچه روز مزایده مصادف با تعطیل رسمی غیر مترقبه گردد،در روز اداری بعد از تعطیل درهمان محل وساعت انجام می شود.آ۱۴۰۶۱۹۴

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۷/۱۱

علی صفائی فر-رئیس اداره ثبت اسناد واملاک قاینات

آگهی تحدید حدود اختصاصی

حوزه ثبتی قاینات

پیرو آگهی تحدید حدود قبلی که به موجب مقررات ماده ۱۴ قانون ثبت منتشر گردیده، اینک بر حسب درخواست واصله مستند به ماده مذکور و ماده ۶۱ آئین نامه قانون ثبت تحدید حدود قسمتی از املاک واقع در بخش ۱۱ حوزه ثبتی این واحد به شرح ذیل:

بخش ۱۱ قاینات

قطعات مفروزه مزرعه ابوالخیری ۱۲۷۰- اصلی:

۱۶۷۲ فرعی از ۹۸۴ فرعی محمود زرگر ششدانگ یکباب منزل در روز ۱۴۰۰،۰۸،۰۹ انجام خواهد شد لذا به موجب ماده ۱۴ قانون ثبت به صاحبان املاک و مجاورین شماره فوق الذکر به وسیله این آگهی اخطار میگردد که در موعد مشخص شده فوق ساعت ۸ الی ۱۰ صبح در محل وقوع ملک حضور به هم رسانند، چنانچه هر یک از صاحبان املاک یا نماینده قانونی آنها در موقع مقررحاضر نباشند؛ مطابق ماده ۱۵ قانون مزبور ملک مورد آگهی با حدود اظهار شده از طرف مجاورین تحدید خواهد شد.و اعتراضات مجاورین نسبت به حدود وحقوق ارتفاقی و نیز صاحبان املاک که در موقع مقرر حاضر نبوده اند؛ مطابق ماده ۲۰ قانون ثبت فقط تا ۳۰ روز از تاریخ تحدید حدود پذیرفته خواهد شد.و برابر ماده ۸۶ آیین نامه اصلاحی قانون ثبت ، معترضین می بایست؛ از تاریخ تسلیم اعتراض خود به اداره ثبت اسناد و املاک قاینات ظرف یک ماه دادخواست اعتراض خود را به مرجع ذیصلاح قضائی تقدیم و گواهی لازم از مرجع مذکور أخذ و به این اداره تسلیم نمایند، در غیر این صورت متقاضی می تواند به دادگاه مربوطه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت تسلیم و اداره ثبت هم بدون توجه به اعتراض عملیات ثبتی را طبق مقررات ادامه می دهد. ۱۴۰۶۱۹۴آ

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۷/۱۱

علی صفائی فر-رئیس اداره ثبت اسناد واملاک قاینات

آگهی مزایده مال غیرمنقول پرونده اجرائی کلاسه۱۴۰۰۰۰۹۹علیه وارث مرحوم محمدبوربور کریمی

بموجب پرونده اجرائی کلاسه فوق یک قطعه زمین به مساحت۵۴ مترمربع پلاک ثبتی۱۴۹۶۸۳مفروزومجزی شده ازپلاک ثبتی ۲۱۶فرعی ازاصلی مذکورقطعه ۱۸۵باشماره مستندمالکیت۲۳۹۲۱تاریخ ۹۱،۱۲،۱۰دفتر۱۷پیشوابنام محمدبوربور کریمی فرزندرحیم بهشماره‌ملی۰۰۳۷۱۵۰۰۲۲ثبت وسندصادرگردیده‌است‌واقع درپیشوابلوارشهیدقمی نرسیده به میدان تره بارکوچه صنعتگران مغازه جهان اگزوزکه طبق نظرکارشناس رسمی مورخ۱۴۰۰،۶،۱۰پلاک فوق دردوطبقه بعلاوه نیم طبقه درهمکف طبقه همکف که شامل یکواحدتجاری بعلاوه نیم طبقه جهت فروشگاه اگزوزوطبقه اول به عنوان انباری فروشگاه نوع اسکلت مپنجره هاقدمت حدودانه سال (طبقه همکف)وطبقه اول ۵سال سیستم سرمایش کولرآبی انباری واقع درطبقه دوم دارای انشعابات آب وبرق وفاقدگازمیباشدوبصورت ششدانگ عرصه واعیان می باشدوبرابرگزارش کارشناسی درتصرف بستانکارمی باشدبه مبلغ به میلیارد ونهصدوشصت میلیون ریال ارزیابی گردیده است پلاک فوق ازساعت ۹الی۱۲روزیکشنبه مورخ۱۴۰۰،۷،۲۵دراداره ثبت پیشوا واقع درپیشوا خ شریعتی طبقه فوقانی درمانگاه فردوس ازطریق مزایده بفروش می رسد مزایده ازمبلغ پایه نه میلیاردونهصدوشصت میلیون ریال شروع وبه بالاترین قیمت پیشنهادی نقدا فروخته می شودشرکت درمزایده منوط به پرداخت ده درصدازمبلغ پایه کارشناسی به حساب سپرده ثبت که پرداخت فوق ازطریق دستگاه (پوز)۴۸ساعت اداری قبل ازشروع مزایده وپرداخت ازطریق سیستم بانکی ۷۲ساعت اداری قبل ازشروع مزایده(لازم به ذکراست استرادوجوه ازدهم ماه بعدقابل اجرامی باشد)وحضورخریدارنماینده قانونی اودرجلسه مزایده است برنده مزایده مکلف است مابه التفاوت مبلغ فروش راظرف مدت پنج روزازتاریخ مزایده به حساب صندوق ثبت تودیع نمایدودرصورتی که ظرف مهلت مقررمانده فروش رابه حساب سپرده ثبت واریزنکندمبلغ مذکورقابل استردادنبوده وبه حساب خزانه واریزخواهدشددراین صورت عملیات فروش ازدرجه اعتبارساقط ومزایده تجدیدمی گردد،مزایده روزاداری بعدازتعطیلی درهمان ساعت ومکان مقرربرگزارخواهدشد.۱۶۶م/الف ۱۴۰۶۱۹۶آ تاریخ انتشارآگهی ۱۴۰۰،۷،۱۱

رئیس ثبت اسنادواملاک پیشوا

آگهی مزایده مال منقول(خودرووانت به شماره انتظامی ۷۸ایران۸۷۱س۶۲

به موجب پرونده اجرائی کلاسه یک دستگاه اتومبیل خودرووانت به شماره انتظامی ۷۸ایران ۸۷۱س۶۲مدل۱۳۸۹به شماره موتور۵۵۶۷۲۰شماره شاسی۱۰۴۱۳متعلق به مرحوم محمدبوربور کریمی که خودرومذکورازقسمت موتورآن به علت پاره شدن تسمه تایم نیاز به تعمیراساسی داردودرقسمتهای درب موتور-گلگیرجلوراست درب اتاق دارای آثارباززسازی ومرمت داردودرقسمت پهلوی چپ دارای خط وخش می باشدودارای بیمه ثالث تاآبانماه ۱۴۰۰میباشدکه طبق نظرکارشناس به مبلغ ۲،۱۰۰،۰۰۰،۰۰۰ریال ارزیابی شده است خودروفوق ازساعت ۹الی۱۲روزدوشنبه مورخ ۱۴۰۰،۷،۲۶درمحل خودرورواقع درپارکینگ مرکزی پیشوا واقع درنرسیده به میدان دانشگاه ازطریق مزایده به فروش خواهدرسیدمزایده ازمبلغ ۲،۱۰۰،۰۰۰،۰۰۰ریال شروع وبه بالاترین قیمت پیشنهادی فروخته خواهدشدشرکت درمزایده منوط به پرداخت ده درصدازمبلغ پایه کارشناسی به حساب سپرده ثبت که پرداخت فوق ازطریق دستگاه(پوز)۴۸ساعت اداری قبل ازشروع مزایده وپرداخت ازطریق سیستم بانکی ۷۲ساعت اداری قبل ازشروع مزایده(لازم به ذکراست استرادوجوه ازدهم ماه بعدقابل اجرا می باشد)وحضورخریدارنماینده قانونی اودرجلسه مزایده است برنده مزایده مکلف است مابه التفاوت مبلغ فروش راظرف مدت پنج روزازتاریخ مزایده به حساب صندوق ثبت تودیع نمایدودرصورتی که ظرف مهلت مقررمانده فروش رابه حساب سپرده ثبت واریزنکندمبلغ مذکورقابل استردادنبوده وبه حساب خزانه واریزخواهدشددراین صورت عملیات فروش ازدرجه اعتبارساقط ومزایده تجدیدمی گردد،مزایده روزاداری بعدازتعطیلی درهمان ساعت ومکان مقرربرگزارخواهدشد.۱۶۷م/الف ۱۴۰۶۱۹۷آ تاریخ انتشارآگهی ۱۴۰۰،۷،۱۱

رئیس ثبت اسنادواملاک پیشوا

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۰/۸۳۲مورخ۱۴۰۰/۰۴/۲۳هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک اسدآباد تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای علی الله وارسته افضل فرزند احمد به شماره شناسنامه ۵۵۰ صادره ازاسدآباد درششدانگ یک قطعه زمین مزروعی آبی به مساحت ۶۱۹۴۴/۰۳ متر مربع در قسمتی از پلاک ۶۷ اصلی واقع دراسدآباد اراضی روستای خاکریز خریداری از مالکان رسمی آقایان بهرام علی زیوری و مجید نقی پور و حاجی قربان آزادی شعاع محرز گردیده است. لذا به منظوراطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض،دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.(م الف ۲۰۶) آ۱۴۰۵۶۰۳

تاریخ انتشار اول ۱۴۰۰/۰۶/۲۷ تاریخ انتشار دوم ۱۴۰۰/۰۷/۱۱

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک اسدآباد

سیروس قلی زاده

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

۱_ برابر رای شماره ۱۳۹۹۶۰۳۲۷۰۰۶۰۰۰۸۶۳ مورخه ۹۹/۱۰/۲ هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان طارم تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی شرکت گاز استان زنجان به شناسه ملی ۱۰۴۶۰۰۹۱۵۳۴ نسبت به شش دانگ یک باب ساختمان ایستگاه تقلیل فشار گاز به مساحت ۲۲۴/۳۰ مترمربع مفروز و مجزی شده از پلاک۱۹ اصلی واقع در شهر چورزق واگذاری از نسق زراعی عموم اهالی محرز گردیده است۲_ برابر رای شماره ۱۴۰۰۶۰۳۲۷۰۰۶۰۰۰۵۰۳ مورخه ۱۴۰۰/۶/۹هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان طارم تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی شرکت گاز استان زنجان به شناسه ملی۱۰۴۶۰۰۹۱۵۳۴ نسبت به شش دانگ یک باب ساختمان ایستگاه تقلیل فشار گاز به مساحت۲۲۳ مترمربع مفروز و مجزی شده از پلاک۱۰۳_ اصلی واقع در قریه صومعه بر جدید بصورت انتقال و خریداری مع الواسطه از مالک رسمی سید رسول موسوی محرز گردیده است.

لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می توانند در شهر ها از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق آگهی در روستا به مدت دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند و گواهی تقدیم دادگاه را به اداره ثبت محل تحویل نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. آ۱۴۰۵۶۰۴

تاریخ انتشار اول ۱۴۰۰/۰۶/۲۷

تاریخ انتشار دوم ۱۴۰۰/۰۷/۱۱

سید مظاهر محمدی

معاون و بازرس دفتر خانه های اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان طارم

((آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبت تایباد))

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۰ املاک متقاضیان که در هیئت موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در بخش ۱۴ مشهد واحد ثبتی شهرستان تایباد مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلامعارض آن محرز و رأی لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی میگردد:

آقای علی مولانژاد به شناسنامه شماره ۴۵ کدملی ۰۷۴۹۳۶۸۴۰۳ صادره تایباد فرزند محمد در ششدانگ یکباب منزل به مساحت ۲۳۵ مترمربع پلاک شماره ۳۱۴ فرعی از ۲۸۳ اصلی واقع در خراسان رضوی بخش ۱۴ مشهد حوزه ثبت ملک تایباد از محل تمامت مالکیت الف مولانژاد کاریزی و تمامت پلاک** کلاسه ۴۹۵-۹۹

لذا بموجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آئین‌نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق روزنامه کثیرالانتشار منتشر تا در صورتیکه اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی تا دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترضین باید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نمایند و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارایه حکم قطعی دادگاه است و در صورتیکه اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت مینماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست. آ۱۴۰۵۶۲۰

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۰/